

زنان در قدرت

اوا براون

رنه گم باهیتلر

هایکه بی. گورتماکر

مترجم: هوشنگ جیرانی



مدرسۀ عالی کورتماکر، هایکه بی، ۱۹۶۴-م.
عنوان و تلم: پدیده زنان در قدرت: اوا براون
زندگی با هیتلر، هایکه بی، کورتماکر؛ ترجمه
هوشنگ جیرانی

مشخصات نشر: تهران: نشر چشمه، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۵۰۴ ص.

شابک: ۳-۱۰۶-۴۶۸-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: هیتلر، آدولف، ۱۸۸۹ - ۱۹۴۵ م --
دوستان و آشنایان -- سرگذشت نامه آلمان
-- تاریخ -- ۱۹۳۳-۱۹۴۵ م.

شناسه افزوده: هوشنگ جیرانی / مترجم

رده بندی کنگره: DD۲۴۷

رده بندی دیویی: ۹۴۳/۰۸۶۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۱۷۱۴۱



نشر جمهوری

دبیر مجموعه / محسن عسکری جهتی
ویراستاری، صفحه‌آرایی و طراحی جلد / گروه هنری جمهوری
لیتوگرافی، نقش و رنگ
چاپ و صحافی / تهران
نوبت چاپ / دوم، ۱۳۹۲
تیراژ / ۵۰۰ نسخه
شابک / ۹۶۸-۶۰۰-۴۶۸-۱۰۶-۳-۹۶۸-۶۰۰-۴۶۸-۱۰۶-۳

دفتر مرکزی / خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، خیابان
ژاندارمری، پلاک ۸۸
فروشگاه: خیابان جمهوری، مقابل خیابان صف، شماره ۲۳۰
تلفن ۳۳۹۳۰۳۹۰
تلفن: ۸۱۴/۶۶۴۱۰۸۱۴ / همراه: ۰۹۱۹۱۹۹۳۷۹۶

حق چاپ و انتشار انحصاراً محفوظ است.

اینستاگرام / jomhooripub

وبسایت / www.jomhooripub.com

پست الکترونیک / Nashre.jomhoori@gmail



نشر
جمهوری

فهرست مطالب

مقدمه ۱۱/

بخش اول: ملاقات ۱۷/

۱ استودیو هاینریش هوفمان ۱۹/

عکاس حزب نازی

«آقای وولف»

معتمد امور شخصی

۲ مونیخ پس از جنگ جهانی اول ۳۸/

شهر افراطی‌ها

زندگی روزمره فضای سیاسی

جنبش ناسیونال سوسیالیست

۳ خانواده براون ۴۸/

طبقه‌ی متوسط معمولی

همراه همیشگی: مارگارت براون

خواهر دور: ایلزه براون

۴ صعود به قدرت در کنار هیتلر ۶۱/

معشوقه‌ی طولانی مدت «پیشوا»

شهادت یا محاسبه؟

تنها در سرسرای قدرت

بخش دوم: دنیا‌های متضاد ۸۵/

۵ زنان در ناسیونال سوسیالیسم ۸۷/

ایدئولوژی و واقعیت

ماگدا گوبلز: «بانوی اول رایش سوم»

امی گورینگ و ایلزه هس

نقش اوا براون

«یادداشت روزانه»

۶ افسانه «پیشوا»/۱۳۴

یا زندگی خصوصی آقای هیتلر

در کنوانسیون سال ۱۹۳۵ حزب در نورنبرگ

صعود بدون توجه

یک «زندگی ازدست رفته»؟

هیتلر و خانواده براون

۷ معشوقه و حلقه‌ی خصوصی/۱۵۰

آلبرت و مارگارت اشپلر

کارل و آنی برانت

مارتین بورمان

۸ زندگی در اوبرسالزبرگ/۱۶۹

پناهگاه و مرکز قدرت

«دربار سلطنتی»

سیاست و تعاملات خصوصی

دکتر مورل

هرمان اسر

«بانوی خانه» در برگهوف، ۱۹۳۹-۱۹۳۶

سفرها

بخش سوم: سقوط/۲۵۳

۹ انزوا در دوران جنگ/۲۵۵

شروع جنگ

برگهوف به عنوان «مقر پیشوا»

آغازی بر پایان

۱۰ حوادث ۲۰ ژوئیه ۱۹۴۴/۲۹۰

و پس از آن

واکنش حلقه‌ی خصوصی

نشان یادبود برای اوا براون

وصیت اوا براون

۱۱ تصمیم برای برلین/۳۰۱

حمله‌ی نهایی

زندگی زیرزمینی

عروسی و پایان در «پناهگاه پیشوا»

۱۲ پس از مرگ/۳۲۳

نتیجه‌گیری/۳۲۷

یادداشت‌ها/۳۳۱

برگزیده‌ی زندگی نامه‌ها/۴۷۲

نماینه/۴۸۹

www.ketab.ir

مقدمه

هنگامی که راننده‌ای در هفتم مارس سال ۱۹۴۵ اوبراون را با یک ماشین دیپلماتیک از مونیخ به برلین آورد، او می‌خواست فصل آخر داستان را بنویسد.^۱ این داستان در سال ۱۹۲۹ در دفتر هاینریش هوفمان، عکاس مونیخی آغاز شده بود، جایی که او با رهبر یک حزب سیاسی راست افراطی که آن زمان خیلی موفق نبود، ملاقات کرد؛ حزب ناسیونال‌سوسیالیست کارگران آلمان^۲ و نام آن رهبر هم آدولف هیتلر بود. حالا او بر خلاف میل او به پایتخت می‌رفت تا در کنارش بمیرد. هیتلر به او دستور داد که در اوبرسالتزبورگ، کوهستانی در آلپ در نزدیکی پرشتسگادن بماند که او در آنجا اقامتگاه بزرگی به نام برگهوف داشت. برلین پس از حمله هوایی روز سوم فوریه متفقین به شدت آسیب دیده و عملاً ویران شده بود. در طول روز بارها صدای انفجار حمله‌های شنیده می‌شد. ارتش سرخ شوروی در ماه ژانویه به رودخانه اودر رسیده بود، در حالی که قوای آمریکایی و بریتانیایی با پشتیبانی بسیاری از متحدانشان از جبهه غرب در حال نزدیک شدن بودند. در نتیجه هیچ‌کسی در کاخ صدراعظم رایش انتظار نداشت که اوبراون آنجا آفتابی شود. آلبرت اشپر در خاطرات خود با عنوان درون‌رایش سوم درباره‌ی ورود او چنین نوشته است: «در تمثیل و واقعیت، با حضور او سفیر مرگ وارد پناهگاه شد».^۳ از اینکه بگذریم، او همچنین در حال خارج شدن از نقش خود به عنوان معشوقه بود. نام او از هیتلر جدایی‌ناپذیر شد و با مرگ مشترکشان، همراه او به افسانه‌ها پیوست. آیا این همان چیزی بود که او می‌خواست؟ یان کرشاو، مورخ بریتانیایی، می‌نویسد هیچ‌کسی قدرتمندتر از هیتلر،

قرن بیستم را شکل نداد. تجربه‌ی تکان‌دهنده‌ی یک «جامعه مدرن، پیشرفته و فرهنگی... که به سرعت در وحشیگری سقوط کرد»^۲ به شکل غیرقابل انکاری پیامدهایی داشت که تا به امروز نیز ادامه دارد. در این روند، نام هیتلر به یک نماد تبدیل شده است: در سراسر جهان، مترداف با خشونت، سنگدلی، نژادپرستی، ناسیونالیسم انحرافی، نسل‌کشی و جنگ. از ژانویه ۱۹۳۳ که هیتلر از سوی رئیس‌جمهور پاول فون هیندنبورگ به عنوان صدراعظم آلمان منصوب شد و حزب ناسیونال‌سوسیالیست کارگران آلمان به طور قانونی به قدرت رسید، نه تنها تلاش‌های بی‌شماری برای توصیف ساختار و نهادهای دیکتاتوری ناسیونال‌سوسیالیست انجام شد، بلکه این تلاش‌ها بیش از هر چیز دیگری صرف توضیح «پدیده» آدولف هیتلر شده است.^۴ این بحث‌ها تا به امروز هم ادامه دارد.

در مقابل، اوا براون که سال‌ها نقش معشوقه را داشت و سرانجام همسر «شیطان مجسم» شد از منظر تاریخی شخصیتی فاقد اهمیت، «سایه بسیار کم‌رنگی از پیشوا»^۵ و از دیدگاه تره‌ور روپر، حتی مظهر «محرومیت تاریخی» دیده شده است؛ در حد هیچ. دلیل آن هم به این باور برمی‌گشت که اوا براون «در تصمیم‌هایی که منجر به بدترین جنایات قرن شد، هیچ نقشی نداشت». او چیزی نبود جز بخشی از بهشت شبه‌خصوصی هیتلر که شاید در حقیقت این امکان را برای او فراهم می‌کرد تا «وحشت‌های هیولاش خود را با شدت بیشتری» دنبال کند.^۶ بنابراین، اوا براون در زندگینامه‌های مربوط به هیتلر عملاً یک چهره‌ی در حاشیه باقی مانده است. چند کتابی هم که به داستان زندگی او پرداخته‌اند، بر «سرنوشت» ادعایی تراژیک او به عنوان «یک زن» تأکید می‌کنند و از نشان دادن دوست‌دختر هیتلر در پس‌زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی پرهیز می‌کنند، مگر اینکه نویسنده کتاب یک برنامه ایدئولوژیک در ذهن خود داشته باشد.^۷

این بی‌اعتنایی به اوا براون به عنوان چهره‌ای تاریخی، تا جایی ادامه دارد که

او حتی در بخش کوچکی از تصویر غالب هیتلر در ادبیات تاریخی حضور ندارد، زیرا این پرسش که آیا هیتلر را باید موجودی انسانی دانست حتی در حال حاضر نیز موضوعی بحث‌برانگیز است. برخی از زندگینامه‌نویسان او تأکید دارند که سوژه آن‌ها یک «غیرآدمیزاد»^a است؛ به‌عنوان مثال، یواخیم سی. فست در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ اذعان کرد که هیتلر ظاهراً دارای قدرتی خارق‌العاده و «عظمت خاص خود» بوده است اما درحالی‌که از «ناتوانی» او «در دنبال‌کردن یک زندگی عادی» سخن می‌گوید از ضعف شخصیت، انعطاف‌ناپذیری، حالت مجسمه‌وار و حضور نمایشی او انتقاد می‌کند.^b دهه‌ها بعد، یان کرشاو گفت که «تمام وجود» هیتلر در نقش او به‌عنوان «پیشوا»^b خلاصه شده بود، تاجایی‌که فاقد یک زندگی «خصوصی» یا «عمیق‌تر» بود. به‌گفته‌ی کرشاو، زندگی خصوصی این مستبد که قدرت «کاریزماتیک شگفت‌انگیزی» داشت، چیزی نبود جز زنجیره‌ای از «روزم‌گی‌های بیهوده».^۹ حتی از فاصله‌ای ۶۰ ساله و در حالی‌که مورخان متقاعد شده‌اند دانش تاریخی درباره این «مغاک سخت‌گیری به خرج داده است»، وقتی پای هیتلر به میان می‌آید آن‌ها همچنان اصرار دارند که به «چیزی غیرعادی این اهریمن»^{۱۰} بنگرند.

اما آیا این تفسیر به‌معنای تسلیم‌شدن در برابر وجهه‌ی هیتلر نیست که خود ترسیم کرده است که طبق آن، فردیت او اهمیت ثانوی دارد؟ آیا با این کار، او را از دایره‌ی انسانیت خارج نمی‌کنیم و در نتیجه، اجازه نمی‌دهیم که از درک انتقادی ما فرار کند؟ سرانجام، این یوزف گوبلز، وزیر روشنگری و تبلیغات هیتلر بود که خستگی‌ناپذیر این ایده را تبلیغ کرد که «پیشوا» زندگی

a. Nonperson

b. یادداشت مترجم انگلیسی: «پیشوا» (Führer) که در زبان عامی آلمانی «رهبر» معنی می‌دهد، در زبان انگلیسی به‌عنوان لقب هیتلر جا افتاده است. باید در نظر داشت که خطاب قرار دادن هیتلر به‌عنوان «پیشوا» بار ایدئولوژیکی سنگینی دارد؛ شیوه‌ای برای اشاره به شخص به‌عنوان «رهبر عزیز ما» در زبان انگلیسی. به همین دلیل، گورتماکر در سراسر کتابش وقتی اشاره‌اش به بت‌ساختن از هیتلر است، واژه‌ی «پیشوا» را داخل گیومه می‌گذارد.

خصوصی و تمام خوشبختی شخصی خود را فدای مردم آلمان کرده است^a - اینکه او «بالتر از همه‌ی نگرانی‌های روزمره» ایستاده است «و از انسان‌های معمولی مراقبت می‌کند؛ مانند صخره‌ای در دریا». «آیا وقتی این‌گونه به او می‌نگریم همچنان چهره‌ای مصنوعی خلق نمی‌کنیم، چهره‌ای که فقط برای نسل‌های بعدی مواجهه با تاریخ خود و درک ماهیت دیکتاتوری نازی را دشوار می‌کند؟

نه دنبال این هستیم که روی نقش فرد در تاریخ بیش از اندازه تأکید کنیم و نه تلقین کنیم که باید به «فهم» جدیدی از زندگی خصوصی دیکتاتور برسیم، خصوصاً آنکه دیکتاتور به عنوان «شیطان مجسم»، به یک موضوع مشکوک تبدیل شده است. در عوض، یک پژوهش جدی و انتقادی از اوا براون که تاکنون کسی انجام ندهاده است، دیدگاه جدیدی در مورد هیتلر ارائه می‌کند که می‌تواند به اهریمن زندگی او کمک کند.

بنابراین، پرسش این است: این واقع چه کسی بود و چه چشم‌اندازی از این «جنایتکار قرن» پیش روی ما می‌گشاید؟ واقعیت این است که اوا براون و آدولف هیتلر چهارده سال کنار هم بودند؛ رابطه‌ای که تنها با خودکشی مشترک‌شان به پایان رسید. به علاوه، این رابطه یکی از معادلات پیوندهای شخصی هیتلر با زنان بود. اوا براون که تا حدود زیادی از چشم مردم آلمان پنهان مانده بود از منظر بیرونی به عنوان فردی جوان، موبور، ورزشکار، جذاب و سرگرم‌کننده، مطلقاً با «چهره روانی» هیتلر (به تعبیر یواخیم فست) تناسب نداشت که آدمی شق و ورق و خشک بود و در عکس‌های خصوصی مسن‌تر نشان می‌داد. گفته می‌شود که اوا براون عاشق مد، فیلم و موسیقی جَز بود؛ کتاب‌های اسکار وایلد می‌خواند (که پس از سال ۱۹۳۳ در آلمان ممنوع شد)؛ دوست داشت سفر کند و بیش از حد ورزش می‌کرد.^{۱۲} زندگی او به سختی

a. یادداشت مترجم انگلیسی: «Volk» که در زبان آلمانی برای اشاره به مردم یا قبیله به کار می‌رود، در ادبیات نازی عبارتی متفاوت است. من آن را به عنوان «مردم» ترجمه کرده‌ام، با تأکید روی معنی آلمان‌گرایانه و یکپارچه‌ی آن و برای قید «Volkisch» معادل «پوپولیست» آورده‌ام، به معنای «فاسیونالیست» یا «بیگانه‌هراس» به علاوه‌ی معنای معمول آن در زبان انگلیسی به عنوان «پوپولیست».

در قالب الگوی زنان خرده‌بورژوا جای می‌گیرد که ایدئولوژی نازی تبلیغ می‌کرد: [زنی که] قبل از هرچیز از خانه همسر و سرزمین مادری‌اش دفاع می‌کند. بنابراین، چه چیزی او را برآون را به هیتلر پیوند داد؟ روابط او با مردان حلقه‌ی بسیار نزدیک به رهبر نازی -هرمان گورینگ، آلبرت اشپر و مارتین بورمان- چگونه بود؟ این رابطه چه نوری بر شخصیت هیتلر می‌تاباند؟ آیا او با معشوق خود در نوعی دنیای خصوصی موازی زندگی می‌کرد که اساساً با تصویر رسمی از «چهره‌ی پیشوا» در تضاد بود؟ یا در واقع تفکیک‌کردن حوزه‌ی خصوصی و عمومی از این طریق غیرممکن است؟ آیا این دو حوزه به‌طور جدایی‌ناپذیر با هم پیوند داشتند؛ برای او برآون و همچنین هیتلر؟

از نظر ظاهری، او برآون زنی جوان با توانایی‌های متوسط و از خانواده‌ای معمولی و متعلق به طبقه‌ی متوسط بود. او با توجه به پیشینه و علائق خود به‌وضوح آدمی برجسته نبود. اغلب اشاره می‌شود که او به‌طور محسوسی فاقد هرگونه همدلی سیاسی یا علاقه‌مندی به تحولات جاری بود.^{۱۳} او برآون مانند ماگدا گوبلز پیچیده و پرزرق‌ورق نبود، از نظر سیاسی نفوذ آنلیس فون ربین‌تروپ (دختر اوتو هنکل، تولیدکننده‌ی تابانین) یا تعصب‌گرا بورمان را نداشت اما دقیقاً همین ادعای متوسط‌بودن اوست که ما را وادار می‌دارد تا شرایط تاریخی او را بازسازی کنیم. «عادی‌بودن» او در مرکز این فضای «شر» مانند امری نابهنگام است که این شر را تسکین داده و آن را در پرتو تازه‌ای نشان می‌دهد.